

گفت وگو با وحید خاتمی، گرافیست و نقاش مشهدی که این روزها روایتگر جنگ است

روایتگری هنر در بزنگاه‌های جنگ



طین همتی

در بزنگاه‌های تاریخی، وقتی جوامع با جنگ، خشونت و ناامنی روبه‌رو می‌شوند، روایت رسمی وقایع معمولاً از زبان سیاست مداران و نظامیان شنیده می‌شود، اما لایه‌های عمیق‌تری از حقیقت جنگ در حافظه بصری و عاطفی مردمی ثبت می‌شود که آن را زندگی کرده‌اند. اینجاست که هنر و به ویژه هنرهای تجسمی، نقش دیگر روایتگر را بر عهده می‌گیرد؛

روایتی که نه صرفاً بار عدد و آمار تکیه دارد، نه لزوماً تابع زبان رسمی و رسانه‌ای است. در چنین فضایی، اثر هنری تنها یک «پوستر مناسبتی» یا یک «تابلوی یادبود» نیست، می‌تواند به رسانه‌ای تبدیل شود که هم حافظه جمعی را ثبت می‌کند، هم آگاهی عمومی را بالا می‌برد و هم به مخاطب یادآوری می‌کند آنچه در قاب‌های خبری می‌بیند. فقط سطح ماجراست، وحید خاتمی، گرافیست و نقاش مشهدی، از جمله هنرمندانی است که در سال‌های اخیر تلاش کرده با زبان گرافیک و تصویرسازی، به جنگ، خشونت و سازوکارهای پشت صحنه آن واکنش نشان دهد؛ واکنشی که هم به شهادت کودکان معصوم و هم به تناقض‌های گفتمان حقوق بشر غربی و حضور طولانی مدت قدرت‌های نظامی در منطقه می‌پردازد.



هنرمند چشم‌جامعه است، نه دیواره‌رو خبرها

این نقاش وگرافیست که این روزها آثاری با موضوع جنگ و نقد خشونت نظام سلطه تولید کرده، معتقد است هنرمند باید پیش از وقوع بحران‌ها، بر اساس مطالعه و جهان بینی خود دست به خلق اثر بزند و در میدان جنگ روایت‌ها، نقش «چشم جامعه» را ایفا کند، چشمی که فراتر از تیتراهای خبری، به ریشه‌های فکری و تاریخی جنگ‌ها نگاه می‌کند.

وی از آثاری گفت که در ماه‌های اخیر با محوریت جنگ و شرایط امروز منطقه کار کرده است. او به یک تصویرسازی برای انتشارات «آستان قدس» و مجله «کیوتنامه» اشاره می‌کند که آن را با موضوع «شهادی دبستان میناب» خلق کرده، اثری که به گفته خودش تلاش کرده است رنج



و مظلومیت کودکان شهید را در قالب تصویر به مخاطب منتقل کند. خاتمی در کنار این کار، سابقه حضور در دوره‌های مختلف مسابقات پوستر با موضوع «مرگ بر آمریکا»، را هم دارد. به گفته او، قبل‌تر از این ماجراهای اخیر، فکر می‌کنم سومین دوره پوستر مرگ بر آمریکا بود که من پنج اثر ارسال کردم و یکی از آن‌ها برنده جایزه شد. یکی از پوسترهای معروف‌تر، پوستر گاومیش است، مفهومی که در خود فیلم‌های هالیوودی هم زیاد مصرف شده است. انگار نقشه جهان را با شاخش زده و پاره کرده و من همان مفهوم را به صورت گرافیکی بازطراحی کردم.

الهام از تاریخ تا نقد حقوق بشر آمریکایی

خاتمی بر این باور است، بخش مهمی از الهام و محتوای آثارش از مطالعه تاریخ و فرهنگ

سیاسی غرب می‌آید، از خشونت نژادی در آمریکا تا تناقض‌های گفتمان حقوق بشر. او به عنوان نمونه به «کوکلاکس کلان»‌ها اشاره می‌کند که در یکی از پوسترهایش سوزه شده‌اند. او می‌گوید، سال‌هاست روی فرهنگ آمریکایی و صهیونیستی مطالعه می‌کنم. یکی از نمونه‌ها، تاریخ کوکلاکس کلان‌هاست که انسان‌ها را به طرز عجیبی شکنجه و اعدام می‌کردند و هنوز هم بعضی نژادپرست‌ها به آن افتخار می‌کنند. این موضوع در جامعه ما چندان شناخته شده نیست، اما در پوسترهایی سعی کردم آن را در کنار ادعاهای حقوق بشر آمریکایی‌ها و آزادی که تبلیغ می‌کنند، نشان بدهم، تا جایی که حتی مجسمه آزادی را هم به یک نشانه انتقادی تبدیل کردم.

این هنرمند با اشاره به حضور طولانی مدت نیروهای نظامی آمریکا در منطقه می‌گوید، اینکه سال‌هاست در خلیج فارس حضور دارند، پایگاه‌های متعدد نظامی اطراف ماساخته‌اند، با لباس نظامی تردد می‌کنند و در عین حال از منافع و تجارت حرف می‌زنند، همه این‌ها خودش سوزه کار است. ظاهر خیر این است که دنبال منافع اقتصادی‌اند، اما پشت ماجرا یک تفکر تسلط بر جهان و یک نگاه آخرالزمانی نهفته است که در فیلم‌ها، پویانمایی‌ها و کمیک بوک‌ها نشان هم مرتب تکرار می‌شود. این‌ها چیزهایی است که می‌شود درباره‌اش طراحی کرد، تصویر ساخت و آگاهی مردم را بالا برد.

گرافیک محیطی؛ هنر در برابر چشم مردم

این گرافیست مشهدی، در پاسخ به این سؤال که آثار هنری مرتبط با جنگ در کجا بیشترین

اثر را می‌گذارند، بر گرافیک محیطی تأکید دارد، به نظر من باید از همه امکانات استفاده کرد، شهرداری‌ها، انتشارات و دیگر نهادها، پوستر، بنر و نقاشی دیواری در ابعاد بزرگ، خیلی اثرگذارتر از ابعاد کوچک است. در اوضاع فعلی، فکر نمی‌کنم برایی نمایشگاه‌های محدود خیلی مخاطب جذب کند؛ مردم کمتر به نگارخانه می‌روند. این آثار باید جلوی چشم مردم باشد، روی دیوارهای شهر، در ادارات و فضاهای عمومی تا تبدیل به بخشی از محیط روزمره‌شان شود.

خاتمی به بخشی از فعالیت‌های دیگر خود اشاره می‌کند از طراحی پوستر برای پیش تولید فیلم شهید تهرانی مقدم تا مجموعه‌ای از پوسترهایی که در سال‌های گذشته در جشنواره‌ها شرکت داده است. او معتقد است امروز، در میانه جنگ روایت‌ها، تصویر و گرافیک می‌تواند نقش جدی در تبیین پشت صحنه جنگ‌ها و در دفاع از مردم بی‌دفاع ایفا کند، به شرطی که هنرمند، صرفاً به بازتاب تیتراهای خبری قانع نباشد و با مطالعه و آگاهی، «چشم» بیدار جامعه باقی بماند.

وی در پاسخ به این سؤال که یک هنرمند چگونه در بزنگاه‌ها با مردم همراه می‌شود یادآور شد، هنرمند در این موقعیت‌ها نقش دیده‌بان و یک سرباز را باید ایفا کند. عمیق‌تر و معرفتی‌تر ماجرا را نگاه می‌کند و یک گام جلوتر با موضوعات درگیر می‌شود. در موضوعاتی مانند جنگ هنرمندان هم‌گام بودند و هستند، اما مهم‌ترین چیزی که هنرمندان باید با آن زندگی کنند اینک به عنوان یک دیده‌بان رفتار کنند و عمیقاً با موضوعات سروکله بزنند.

روایت حسن آخوندپور، کارگردان مشهدی ساکن تهران، درباره مجاهدت مردم ایران در جنگ تحمیلی سوم

راز هم‌نوع دوستی ایرانیان با این جنگ برای دنیا برملاشد

آریتا حسین زاده عطار

بازگشتم به مشهد و باز چند روز پیش دوباره به تهران برگشتم. پیش از اینکه درباره‌ی به تهران بروم، اخبار را که می‌شنیدم، تصور این بود که باز یک شهر نیمه جنگ زده و ویران و پر از دود روبه‌رو شوم و از آن تهرانی‌که همیشه دوستش داشتم، دیگر اثری نباشد؛ همان تهران پویا و سازنده و رو به رشد. وقتی رسیدم، از دو روز قبلاًش، باران به خیابان‌های پایتخت زده بود و درخت‌ها شکوفه داشت و هوا لطیف‌تر از همیشه بود. با اینکه تهران همیشه نوروک‌زمی می‌شود قشنگ‌تر است، اما این بار تهران از نظر من خیلی جذاب‌تر و زیباتر شده بود. در عین این جذابیت، حس دردی در حال و هوای تهران پنهان بود.

توصیفش از حال و هوایی که با آن روبه‌رو شده است، این نیست که رنگ و بوی اتفاق جنگ، قیافه شهر را به هم زده باشد، بلکه تهران را این‌گونه‌وصف می‌کند که هنوز هم حال و هوای تهران مانند شهر جنگ زده و زیر توپ و تانک و بمباران نیست. تهران این روزها صبح آرامی دارد و شب‌هایش با وجود تمام بمب‌هایی که می‌زنند و صدا و نور انفجاری که دیده می‌شود، باز هم مردم در خیابان هستند و باز هم آن پویایی همیشه در تهران وجود دارد.

کسی که از ویرانی هم و طنش خوش‌حالی کند ایرانی نیست

این کارگردان فیلم و سریال‌های تاریخی، بی‌رحمی و تفاوت دشمنان ایران را کاملاً مشهود می‌داند و می‌گوید: کسی نیست که با ویرانی و تلی از خاک شدن یک واحد آپارتمان هم وطن خوش‌حالی کند و اگر هم عده‌ای باشند که از این ماجرا خوش‌حالی کنند یا

نادان هستند یا نمی‌دانند سیاست به چه شکل است یا اینکه به نظر من کلا ایرانی نیستند. آخوندپور، مانند دیگر شاهدان عینی در روزهای این جنگ دلگیری‌های دیگری نیز دارد؛ باید تهران باشی و ببینی که چگونه مردم عاصی می‌شوند و زندگی و کسب و کارشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. باید تهران باشی که ببینی این شرایط سخت اقتصادی که سال‌هاست به خاطر تحریم‌ها وجود داشته است که شاید هم به خاطر کوتاهی برخی دولت‌مداران ما ایجاد شده است، فشار سنگینی بر روی دوش مردمی است که حالا فشار بمب و جنگ و تبعات آن، بیشتر از قبل اذیتشان می‌کند.

وقتی می‌خواهم درباره‌ی شب‌های تهران و ترس‌های مردم و خواب‌های نیمه‌جان زیر بمب و موشک هم بگویم، واژه‌ها را این‌گونه در قالب کلامش می‌چیند؛ قطعاً جمع‌کنبری این‌گونه‌وصف می‌کند که هنوز هم حال و هوای تهران مانند شهر جنگ زده و زیر توپ و تانک و بمباران نیست. تهران این روزها صبح آرامی دارد و شب‌هایش با وجود تمام بمب‌هایی که می‌زنند و صدا و نور انفجاری که دیده می‌شود، باز هم مردم در خیابان هستند و باز هم آن پویایی همیشه در تهران وجود دارد.

کسی که از ویرانی هم و طنش خوش‌حالی کند ایرانی نیست

این کارگردان فیلم و سریال‌های تاریخی، بی‌رحمی و تفاوت دشمنان ایران را کاملاً مشهود می‌داند و می‌گوید: کسی نیست که با ویرانی و تلی از خاک شدن یک واحد آپارتمان هم وطن خوش‌حالی کند و اگر هم عده‌ای باشند که از این ماجرا خوش‌حالی کنند یا

قاعده مستثنا نیستند. نظر این هنرمند درباره‌ی ادای دین فیلم‌سازان به شرایط فعلی این است؛ فیلم‌سازانی هستند که خیلی سریع بخواهند کار تونل‌کنند. اما فیلم، چون اثر ماندگارتری نسبت به سایر هنرهاست و علاوه بر اینکه سرگرم می‌کند، باید حرفی برای گفتن داشته باشد، اغلب با تأمل بیشتر، می‌شود کارهای فوق‌العاده‌تری در این زمینه ساخت. ما داستان‌های بی‌تغییر نگفته‌ای در ایران و تهران در این روزها داریم که در این پروپاگاندا‌ی هجوم دشمن و دفاع ماگم می‌شوند. داستان‌های بی‌تغییری از رزمندگان‌که جانشان را آگاهانه دادند، برای اینکه از کشور و مردم دفاع کنند و مردمی که این روزها، شاید لباس رزم بر تن ندارند، اما رزمنده‌تر از هر آدمی هستند که شاید آموزش داده شده است و کار بلد باشد. همین مردمی که شبانه در خیابان هستند و میدان را نگه می‌دارند، به نظر من از رزمندگان حرفه‌ای دوران جنگ نرم عصر حاضرند.

ایرانیان هم دلی و همیاری‌وصف ناپذیری دارند وقتی به دنبال نقطه عطفی در دیده‌هایش می‌داند. امروزه مردم ایران، پایتخت است، اما مردم تهران هر شب بیرون و کف خیابان‌ها هستند و بسیار شجاع و قوی‌اند. میان آن‌ها که می‌روی می‌بینی که فقط صرفاً قشر مذهبی در میان آن‌ها نیست و از همه قشرها و تیپ‌ها در بین آن‌ها حضور دارند و حمایت‌خود را از جمهوری اسلامی اعلام می‌کنند.

داستان‌های بی‌تغییری از رزمندگان مردمی که میدان را حفظ می‌کنند

آخوندپور بر این باور است درک این اتفاقات، هر انسانی را بی‌رنگ‌بختی می‌کند که کاری انجام دهد و هنرمندان هم از این

نوشتار کمال تبریزی پس از اعلام آتش بس دو هفته‌ای



کمال تبریزی پس از اعلام آتش بس دو هفته‌ای در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران متنی را منتشر کرد. این کارگردان سینما در متنی که در اختیار ایسنا گذاشت، نوشت: «خدا همه دلیر مردان و شیرزنان این تمدن بزرگ را که در نبرد رمضان از جان شیرین و عزیز خود در راه استقلال سرزمین پهناور ایران گذشتند، در آغوش گرم و مهربان خود بگیر و یاد آنان را در دل‌های ما، برای همیشه زنده و جاوید نگه دار.»

شما نگران ایران نباشید!



پرویز پرستویی با اشاره به سختی‌هایی که مردم ایران در این چند روز تحمل کردند خطاب به تحلیل‌گران خارج نشین گفت که شما نگران ایران نباشید. در بخشی از یادداشت او آمده است: باز شروع شد. بالاخره به چه ساز شما تحلیل‌گران که همیشه تحلیل‌ها تون جواب برعکس می‌ده باید رقصید؟ اکثر شماها که در فرمایشاتون پشتتون به کتابخونه است و مثلاً همیشه در حال مطالعه و... هستید، شک ندارم که فقط بالاتنه تون کت و کراوات و پایین تنه تون لباس راحتی است. بس کنید. این قدر مردم ایران را کوچک نشمرید. مردم فهیم ایران به هدایت و رهبری شما نیازی ندارند. می‌دانم بالاخره شما هم از همین راه ارتزاق می‌کنید... مردم ایران از ۹ اسفند ۱۴۰۴ از شب تا صبح در خیابان‌ها و میادین هستند با کل اعضای خانواده در زیر شلیک موشک‌ها و پهپادهای عمو ترامپ و بیبی نتانیا هو تون و حتی به شهادت هم رسیدند. اون وقت شما یک بار در قلب آمریکا مهد آزادی در تجمع حمایت از آمریکا و اسرائیل علیه ایران شرکت کردید اون هم با جلیقه ضد گلوله... توصیه می‌کنم در این مدت آتش بس جلیقه تون رو باز کنید و به استراحت بپردازید. خدای مردم ایران بزرگ‌تر از شما ناجیان غرق شده در افکار پوسیده است.

واکنش پیمان معادی برای شهدای میناب



پیمان معادی در چهلمین روز شهادت کودکان مدرسه میناب تصاویری را از دو منبع خارجی منتشر کرد. به گزارش ایسنا، بازیگر فیلم‌های «جدایی نادر از سیمین»، «درباره‌الی» و «برادران لیلیا» در صفحه شخصی خود در فضای مجازی مطلبی را از مجله «فانر پالیسی» بازنشر داده که درباره

یکی از کودکان مدرسه میناب است که روز نهم اسفندماه در پی حمله آمریکا و اسرائیل به شهادت رسید.

معادی همچنین سخنرانی انتقادی مارک بوتنگا، نماینده بلژیکی پارلمان اروپا را بازنشر داده است که در آن گفته بود. اقدامات آمریکا و اسرائیل به جای دموکراسی، مرگ و هرج و مرج راه‌همراه خواهد داشت. این نماینده پارلمان اروپا در سخنرانی خود از آسیب‌های وارد شده به غیرنظامیان ایرانی همچون دانش‌آموزان یک مدرسه ابتدایی تا ساکنان شهر تهران با بیش از «۱۰ میلیون جمعیت سخن گفته و از پیامدهای زیست محیطی، دودهای سمی ناشی از تنش‌ها و آسیب‌های آن برای سلامتی انسان‌ها صحبت کرده بود.

خون تک تک فرزندان دلیر در پای سرو میهن



بهرام رادان، بازیگر سینما، در متنی که به روزهای جنگ تحمیلی کشور اشاره دارد از احساسات خود و همچنین جنایتی که علیه کشور صورت گرفته نوشته است: احساس توأمان با خشم، نگرانی، استیصال دلپره و بالاتر از همه غرور مهمان دامن‌ی فکر و ذهنم بود، در چهل شبانه روز گذشته.

جدا از این سعی کردم با دوستان غیرهم‌فکر بحث نکنم، بگذریم از چند فامیل نزدیک که دیگه شاید گذرمان هم به یکدیگر نیفته، طبیعی است سال‌ها در این سرزمین زیست نکردند و نمی‌دانند خیلی مسائل را. همه ما می‌دانیم که میزان غم و بلا‌ی تحمیل شده بر این مردم و این مرز و بوم برای از پا درآوردن و تکه تکه شدن هر ملت‌ی هزاران بار کافی است، اما ایران این نام همیشه جاویدان باز هم از خاکستر خود برخواهد خاست و خون تک تک فرزندان دلیرش در پای سرو میهن، بالاخره آسمان آن را آبی خواهد کرد.

تمدن در وجود ما ریشه دارد



امیر جعفری، بازیگر سینما و تئاتر، نسبت به حمله به ایران واکنش نشان داد. متن یادداشت وی که در صفحه مجازی اش منتشر شده بدین شرح است: ویرانی زیرساخت‌ها، خاموشی حیات روزمره مردم است. در برابر این نبرد ویرانگر، هر انسان وطن دوستی آگاهانه و یک صدا می‌ایستد.

درخت نونوند تمدن ایرانی جنان ریشه‌های عمیقی در خاک و وجود ایران دارد که از سهمگین‌ترین حوادث تاریخ سربلند و قوی‌تر از قبل خارج شده است. تهدید نابودی تمدن برای بنیان‌گذار تمدن جهان، مضحک‌ترین سخن است. تمدن در وجود ما ریشه دارد. آنچه همیشه باقی خواهد ماند، ایران و درخشانی تمدنش تا همیشه است. ادای احترام می‌کنم به خون تمام عزیزان از دست‌رفته ایران، آزادی ماه و میناب و این روزها، این دیار کهن در برتو آریز و مره‌مان شریف و پاکش همواره پاینده باد.

نام وطن همیشه وطن خواهد ماند



بهرام افشاری، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، در یادداشتی درباره وطن و شهادت کودکان بی‌گناه میناب چنین نوشت: در این روزگار انبوهی از ویرانی‌ها، تمدن این سرزمین نشان داده که نام وطن همیشه وطن خواهد ماند.

میهن پرستی تنها فریاد زدن نام زیبایی ایران نیست، بلکه حفاظت کردن از سرمایه‌های این سرزمین با هر نقش و وظیفه‌ای است؛ برای ایران و مردمان مظلومش، ایران و مردمان صبورش، ایران و مردمان بی‌گناهِش، همانند کودکان میناب. تا ابد ایران، تا ابد مردمانش.



شبه‌هفتگی
۲۰ فوریه ۲۰۲۲
شماره ۳۳۳



تصویرسازی وحید خاتمی، گرافیست مشهدی، با عنوان «بازتاب آتش میان‌حالی جنگ»